

گزارشی از توقیت ها در گستره تاریخ

احمد رنجبری حیدر باغی *

چکیده

از جمله آسیب های جدی جامعه مهدوی، تعیین وقت برای ظهور حضرت مهدی عج است. در منابع مهدوی روایات متعددی درباره نکوهش تعیین وقت برای زمان ظهور امام مهدی عج وجود دارد. به رغم این روایات و لحن شدید آن ها، برخی از توقیت ها در منابع یافت می شود. در مقاله حاضر، پس از مفهوم شناسی توقیت، آثار مخطوط مرتبط با این موضوع مورد توصیف قرار گرفته و گزارشی از تعیین کنندگان وقت ظهور و تاریخ های بیان شده تهیه شده است. در میان این وقت گزاران، اشخاصی چون محیی الدین عربی، صدرالدین قونوی، خواجه نصیر طوسی، شاه نعمت الله ولی، علامه مجلسی، ابن حجر هیتمی، جلال الدین سیوطی و... دیده می شوند. از آثار مهم در گزارش این توقیت ها می توان به *جواهرالقوانین* اشاره کرد و چندین کتاب از جهان معاصر عرب نیز گزارش شده است. بخشی از نوشتار نیز به مستندات توقیت کنندگان (احادیث، علوم غریبه، کشف و شهود و اشعار) اختصاص دارد. حدیث ابولیبید از امام باقر ع از مهم ترین دستاویزهای موقتین در میان شیعیان و احادیث مربوط به پایان جهان و هزاره گرایانه بن مایه توقیت ها در بین برخی از اهل سنت است. بخش دیگری از این نوشتار نیز به انگیزه توقیت کنندگان و مواجهه بزرگان با توقیت ها اختصاص دارد. از آن جا که مستندات تعیین کنندگان زمان ظهور، متقن و یقین آور نیستند، نمی توان به توقیت ها اعتماد کرد. در این میان نباید از آثار مخرب توقیت در دین گریزی و القای ناامیدی و تخریب اندیشه والای مهدویت غافل بود.

واژگان کلیدی

توقیت، وقایع، نهی از توقیت، وقت گذاری، جواهرالقوانین، شاه نعمت الله ولی، محیی الدین عربی.

مقدمه

برای هر فرهنگ و مجموعه معرفتی ممکن است آفت‌هایی روی دهد که مانع رشد و بالندگی آن فرهنگ شود. فرهنگ و جامعه مهدوی نیزگاهی به آفت‌هایی گرفتار می‌شود که حرکت رو به کمال آن را کند می‌کند. بنابراین باید آسیب‌های فرهنگ ناب مهدوی را بشناسیم. برخی از این آسیب‌ها به گونه‌ای است که غفلت از آن‌ها، موجب سستی اعتقاد مردم، به ویژه جوانان نسبت به اصل وجود امام مهدی علیه السلام و سبب گرایش به افراد یا مجموعه‌های منحرف می‌گردد. یکی از آسیب‌های جدی جامعه مهدوی، وقت‌گزاری برای ظهور مهدی موعود علیه السلام است.

گسترش شور و شوق عمومی برای ظهور حضرت حجت علیه السلام پدیده‌ای مبارک است؛ اما اگر این پدیده به تعیین زمان برای ظهور و امیدوار ساختن مردم به ظهور ایشان در زمانی معین همراه شود، نتیجه بسیار خسارت‌باری را در پی خواهد داشت. وقت‌گزاری‌های صورت گرفته، خود شاهد صادقی هستند بر این‌که به شدت باید از بیان وقت برای ظهور خودداری کرد.

در روایات متعدد، تعیین وقت برای ظهور حضرت ولی عصر ممنوع دانسته شده است. ماحصل برخی از این احادیث چنین است: «ما اهل بیت هرگز برای ظهور وقت تعیین نمی‌کنیم؛^۱ نه در گذشته این کار را کرده‌ایم و نه در آینده خواهیم کرد؛^۲ هر کس تعیین وقت نماید دروغ‌گوست^۳ و شیعیان باید وی را تکذیب کنند.^۴» در برخی روایات، دلیل ممنوعیت تعیین وقت، ایجاد ناامیدی در مردم دانسته شده^۵ و در برخی دیگر، با تشبیه به جریان حضرت موسی علیه السلام (تبدیل شدن مناجات سی‌روزه در کوه طور به چهل روز) ایجاد فرقه‌ها و انحرافات بزرگ (همانند فتنه گوساله سامری) اعلام شده است.^۶

منابعی که روایت نهی از توقیت را آورده‌اند به شرح ذیل است:

مرحوم کلینی در *الکافی* برای این بحث بابی با نام «بَابُ كَرَاهِيَةِ التَّوْقِيْتِ»^۷ گشوده است. نعمانی (شاگرد مرحوم کلینی) در *الغیبه* در بابی با عنوان «ما جاء في المنع عن التوقيت و التسمية لصاحب الامر»^۸، شیخ طوسی در *الغیبه* در فصل هفتم ذیل بحثی با عنوان «ذكر الاخبار الواردة في أنه لا تعيين لوقت خروجه»^۹، فیض کاشانی در *الوافی* در باب ۴۷ با عنوان «كراهية التوقيت والاستعجال»^{۱۰}، همچنین علامه مجلسی در *بحار الانوار* با عنوان «باب التمهيص و النهی عن التوقيت و حصول البداء في ذلك»^{۱۱} و *عوالم العلوم (فی احوال الامام الحجة علی السلام)* در ضمن بحث از وظایف منتظران در زمان غیبت در باب هفتم با عنوان «باب التمهيص و النهی عن التوقيت و حصول البداء في ذلك»^{۱۲} به نقل احادیث این باب پرداخته‌اند. در بین

معاصران، نه‌اوندی در *العبری الحسان*، در «عبریۀ دوم از بساط پنجم»^{۱۳}، حائری یزدی در *الزام الناصب* در بحث «الفرع الحادی عشر: فی کراهیة التوقیت» و صافی گلپایگانی در *منتخب الاثر* در باب «فی عدم جواز التوقیت و تعیین وقت لظهوره»، به آوردن احادیث نهی از توقیت پرداخته‌اند. موسوی اصفهانی در *مکیال المکارم* در تکلیف ۶۹ و ۱۴۷۰ و سید محمد صدر نیز در فصل سوم کتاب خود - *تاریخ پس از ظهور* - با عنوان «شرایط و نشانه‌های ظهور» درباره توقیت بحث کرده است.^{۱۵}

مفهوم‌شناسی توقیت

واژه «توقیت» مصدر باب «تفعیل» از ماده «وقت»^{۱۶} به معنای تعیین و بیان زمان برای چیزی است.^{۱۷} این واژه در قرآن کریم به صورت ماضی مجهول آمده است.^{۱۸} معنای فعلی ریشه وقت، متعدی بوده^{۱۹} و واژه توقیت در باب تفعیل به همان معنای ثلاثی مجرد کاربرد دارد. کلمه توقیت در برخی از ابواب فقهی نیز به همین معنا به کار رفته است.^{۲۰}

توقیت در اصطلاح مباحث مهدوی به معنای «بیان وقت ظهور حضرت مهدی (عج)» است و معنای مذکور، اولین معنایی است که از شنیدن این واژه به ذهن می‌آید.

واژه «وَقَاتُونَ» نیز صیغه مبالغه از ریشه «وقت» بوده و در مباحث مهدوی بسیار مورد استفاده است و در بیشتر روایات موضوع نهی از توقیت، به چشم می‌خورد. «وَقَاتُونَ» جمع سالم از کلمه «وَقَات» است. این واژه بر اساس تتبع نویسنده تنها در منابع مهدوی به کار رفته و به نظر می‌رسد صدور این واژه از سوی پیشوایان دینی، با توجه به کثرت وقت‌گزاری توسط یک شخص باشد؛ چرا که برخی از اشخاص چندین بار به تعیین وقت پرداخته‌اند. این‌گونه اشخاص با منقضی شدن نخستین وقت تعیین شده، برای دفاع از خود هم که شده باشد، به تعیین وقت دیگری می‌پردازند.

در روایات این باب، از وقت‌گزاران با واژه «الموقتون»^{۲۱} نیز یاد شده که با توجه به ساختار صرفی آن، در این واژه هیچ دلالتی بر کثرت وقت‌گزاری نیست.

مباحث و پرسش‌های مرتبط با توقیت

مبحث توقیت، مرتبط با پرسش‌های ذیل است و ضروری می‌نماید محققان عرصه مهدویت به این پرسش‌ها پاسخ لازم را بدهند:

- آیا غیر از خداوند متعال کسی از آدمیان به زمان ظهور آگاهی دارد؟ اگر در میان انسان‌ها

چنین کسی وجود دارد، او کیست؟ آیا وی از افراد عادی بشر است یا از معصومان؟ آیا غیر از معصومان و امامان، دیگر آدمیان نیز می‌توانند از زمان ظهور اطلاع یابند؟

- آیا امام زمان علیه السلام زمان ظهور خویش را می‌داند؟

- حکم شرعی توقیت چیست؟ توقیت حرام است یا جایز؟ در صورت حرمت آیا تمام اقسام توقیت حرام است یا توقیت غیرحرام نیز وجود دارد؟

- تقسیم توقیت به توقیت اجمالی یا تفصیلی بر چه اساس است؟ حکم شرعی هریک از این اقسام چیست؟

- آیا علایم ظهور با احادیث نفی توقیت منافات دارد؟

- رابطه تطبیق و توقیت چیست؟ آیا تطبیق به توقیت منجر خواهد شد؟

- آیا روایات حصول بداء در زمان ظهور، معتبرند و امکان بداء در زمان ظهور وجود دارد؟

آثار مخطوط نگاشته شده درباره توقیت

حقیقت آن است که بسیاری از منابع مهدوی با ارزش در قالب نسخه‌های خطی و چاپ سنگی در گوشه کتابخانه‌ها دور از دسترس مانده و مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند. لازم است پس از شناسایی و ارزیابی میراث مهدوی بر جای مانده از پیشینیان، این آثار به صورت موضوعی منتشر شوند. در موضوع مورد بحث نیز چندین اثر یافت شد. بررسی بیشتر درباره این آثار مستلزم تهیه تصویر و تحقیق در آن‌هاست؛ با این حال معرفی اجمالی و ارائه برخی از اطلاعات به دست آمده از فهرس نسخ خطی و نیز رؤیت برخی از این عناوین، خالی از فایده نخواهد بود.

استحالة التوقیت، از محمد باقر بهاری همدانی (م ۱۳۳۳ ق)^{۲۲}؛

به نظر می‌رسد علامه بهاری این اثر را - با توجه به دیگر آثارش - در محال بودن توقیت و تعیین وقت ظهور حضرت حجت علیه السلام به فارسی نگاشته است. به گزارش آقابزرگ در *النریعة* نسخه خطی این اثر در کتابخانه شخصی مؤلف وجود داشته است؛ با این وجود تا کنون ظاهراً نسخه یا نسخه‌هایی از این اثر در فهرس نسخ خطی معرفی نشده است.

قامعة اللجاج و دافعة الحجاج، به عربی از همو^{۲۳}

نسخه‌ای از این اثر به شماره ۱۲۳۴۶/۲ در کتابخانه آیت الله مرعشی علیه السلام موجود است. مؤلف در مقدمه کتاب چنین می‌گوید:

برخی از ابناء زمان - بلکه طلاب - اقدام به تعیین زمان ظهور حضرت مهدی می‌نمایند، در حالی که هیچ سند محکمی در دست ندارند.

آن‌گاه در صدد تصحیح اعتقاد مردم برآمده، مطالب کتاب را در پیش می‌گیرد.^{۲۴} وی بعد از ذکر چند امر - که به مثابه مبانی بحث است - در برگ «۵۸ پ» چنین می‌نگارد:

إذا عرفت هذه المقدمات، فنقول: أما تعيين زمان الظهور والاختبار به فقد اتضح مما حررناه أنه فعل العالم بما يخلق فيما بعد زمانه والمصالح في ذلك وتدير النظام في عيشهم وبقائهم إلى الأمد المحدود إلى غير ذلك بضرورة توقف العلم بزمان الظهور المعين في حد نفسه على العلم بالأمور المذكورة فلا يمكن أن يحصل ذلك العلم بطريق الحس ونحوه لغير العالم بتلك الأمور والعالم بها أيضاً قد عرفت عدم وجوده في البشر.

ایضاح المرام فی امر الامام (درباره حکمت عدم تعیین زمان ظهور) به عربی از همو

نسخه‌ای از این اثر به شماره ۱۲۳۴۶/۳ در کتابخانه آیت الله مرعشی رحمته الله موجود است. مؤلف می‌گوید:

بعد از تألیف کتاب *قامعة اللجاج ودافعة الحجاج* شرح صدری بر من حاصل گشت که درباره حکمت عدم تعیین زمان ظهور نکاتی را بیان کنم.^{۲۵}

رساله‌ای در هفت برگ از نویسنده‌ای ناشناخته

در این رساله، توقیت اجمالی و تفصیلی غیرممکن دانسته شده است. نسخه‌ای از این اثر به شماره ۱۲۳۰۸/۳ در کتابخانه آیت الله مرعشی رحمته الله موجود است.^{۲۶}

رساله‌ای درباره توقیت ظهور امام زمان علیه السلام از عبدالهادی بن رفیع الدین رضوی دلیجانی (قرن ۱۱) به عربی

نسخه خطی این اثر در سال ۱۰۴۸ کتابت شده و در کتابخانه مدرسه فیضیه قم به شماره ۱۹۸۸/۲ نگهداری می‌شود.^{۲۸} این رساله در رد توقیت و تحریم تعیین وقت ظهور است.

دعائم الدین و كشف الریبة فی اثبات الكرة والرجعة، از ملا محمد محسن بن عنایت الله مشهدی (قرن ۱۲) به عربی

مؤلف در کتابش بابی با نام «الباب العاشر: فی کراهية التوقیت و بعض علامات الظهور» دارد. نسخه‌ای از این اثر در مرکز احیای میراث اسلامی قم به شماره ۲۹۹۴ وجود دارد.^{۲۹}

العجالة، از شیخ سلیمان بن عبدالله ماحوزی بحرانی (۱۱۲۱ق)، به عربی

این اثر در شرح حدیث ابولبید مخزومی از امام محمد باقر علیه السلام در تأویل حروف مقطعه قرآن کریم نگاشته شده است. مؤلف این رساله را به خواست محمدسلطان - حاکم بحرین - نگاشته است. به نوشته ماحوزی در این حدیث به تاریخ قیام اهل البیت علیهم السلام اشاره رفته است. ماحوزی در اواخر این رساله از کتابی یاد می‌کند که درباره غیبت امام قائم علیه السلام تألیف کرده است. مؤلف پیش از آغاز در شرح حدیث به تهیه چهار مقدمه و یک خاتمه پرداخته است. مقدمه اول در تحقیق در امر بدا، مقدمه دوم در معرفت زیر و بینات، مقدمه سوم در شرح حساب جمل مغربی که با حساب جمل معروف تفاوت بسیار دارد، مقدمه چهارم بررسی اخبار توقیت و تکذیب وقّاتان، و خاتمه در بحث استبعاد طول بقای عمر.^{۳۰}

علائم الظهور والتوقیت، از مؤلفی ناشناخته به فارسی

متأسفانه آغاز این رساله افتاده است. فهرست نگار بخشی از آغاز افتاده را چنین گزارش کرده است:

... و درویش صفت است با وجود آن که از او این قسم آثار به ظهور رسیده هر که خود را از طایفه اهل علم نمی‌خواند و دعوی مراتبی که سواد خوانان کتب فقهی در این ایام می‌نمایند نمی‌کند... اما آن چه در این رساله ذکر فرموده از تعیین سال ظهور حضرت صاحب الامر - صلوات الله علیه - از مقوله توقیت است؛ زیرا که خفایای در این نیست که توقیت آن است که مثلاً گوید من ساعت ...

نسخه این اثر ضمن مجموعه شماره ۴۷۷۶ در مدرسه غرب همدان در پنجاه برگ موجود است و تاریخ کتابت آن مشخص نیست.^{۳۱}

وقت گزاران در آینه تاریخ

با بررسی منابعی چون نسخ خطی مهدوی، کتب چاپ سنگی و سربی و پژوهش در آنها با موارد متعدد توقیت‌های اجمالی و تفصیلی در طول تاریخ اندیشه‌های اسلامی روبه‌رو هستیم. با ایجاد بستر مناسب در حوزه کتب کمیاب - اعم از خطی و سربی و سنگی - و بالا گرفتن مباحث تخصصی موضوع مهم مهدویت در سال‌های اخیر، اطلاعات تازه و فراوانی در موضوع توقیت و دیگر مباحث مهدویت به دست آمده است. گفتنی است تعیین وقت ظهور علاوه بر مسلمانان - از شیعه و سنی - در میان مسیحیان نیز درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام بارها در

طول تاریخ صورت گرفته و مشکلاتی نیز در پی داشته است.^{۳۲}

درباره این وقت‌گزاری‌ها یادآوری چند نکته ضروری است:

۱. توقیت‌های انجام شده بیش از این‌هاست که در این نوشتار آمده؛ قصد نویسنده نیز احصای کامل آن‌ها نبوده، وگرنه باید فهرستی درازدامن تهیه می‌شد.
۲. هدف از ذکر این وقت‌گزاری‌ها صرفاً بازخوانی برخی از توقیت‌های انجام گرفته است و قصد نویسنده، قدح و ایراد اتهام به توقیت‌کنندگان نیست.
۳. توقیت‌های ذکر شده در نوشتار حاضر، اعم از توقیت حرام و غیرحرام است و تشخیص این موضوع، بحثی فقهی است که باید در جای خود بدان پرداخته شود.
۳. در گزارش زیر، وقت‌گزاری‌های منتسب به امامیه و اهل تسنن به چشم می‌خورند.
۴. توقیت‌های ذکر شده اعم از آن است که خود شخص مرتکب توقیت شده باشد یا این‌که آن را به وی نسبت دهند.
۵. کوشیده‌ایم تا حد امکان، مستندات این توقیت‌ها آورده شود، مگر آن‌که در منابع مورد استفاده اطلاعی در این زمینه یافت نشده باشد.
۶. ترتیب زمانی این گزارش براساس دوره زمانی حیات توقیت‌کنندگان تنظیم شده است.

سده هفتم

– علامه حسینی تهرانی در کتاب *روح مجرد* درباره اکتشاف بعضی از امور غیبیه توسط محیی‌الدین عربی (م ۶۳۸ ق) با علم حروف می‌نویسد:

مُحیی‌الدین عربی و محقق فیض کاشانی و شیخ بهاء‌الدین عاملی در این فن از سرآمدان روزگار بوده‌اند. محدث نیشابوری در ترجمه احوال محیی‌الدین می‌گوید: «وی در علم حروف ید طولایی داشت.» و از جمله استخراج او این بود که: «إِذَا دَخَلَ السَّيْنُ فِي الشَّيْنِ، ظَهَرَ قَبْرُ مُحْيِي الدِّينِ»؛ یعنی چون سین در شین داخل شود، قبر محیی‌الدین ظاهر می‌شود. این نبود و قبر محیی‌الدین پنهان بود تا سلطان سلیم عثمانی داخل شام شد و از قبر او تفحص به عمل آورد و آن را پس از اندراس تعمیر نمود و سر کلمه سین که سلطان سلیم و شین که شهر شام است مکشوف شد. و از جمله اکتشافات و استخراجات اوست راجع به ظهور حضرت قائم عجل الله فرجه:

إِذَا دَارَ الزَّمَانُ عَلَى حُرُوفٍ
يَبْسُمُ إِلَهُهُ فَأَلْمَهُدِيُّ قَامَا
وَإِذَا دَارَ الْحُرُوفُ عَقِيبَ صَوْمٍ
فَأَقْرُوا أَلْفَاطِمِي مَنَى سَلَامَا

البته باید دانست که معنای این شعر را نمی‌تواند بفهمد، مگر آن‌کس که از راسخین در

علم باشد، وگرنه رمز نبود و حلّش برای همه با شرایط خاصّی ممکن بود؛ همان طور که از معنای سین و شین بدون ورود سلیم در شام کسی نمی‌تواند خبردار شود مگر آن‌که از راسخین در علم بوده باشد.^{۳۳}

– محمدباقر سیرجانی یزدی کرمانی در *جواهرالقوانین* از این شعر، سال ۱۳۴۰ و با یک محاسبه دیگر ۱۳۲۵ را استخراج کرده است.^{۳۴} در برخی از منابع این شعر را نیز برای تعیین وقت ظهور از محیی‌الدین نقل کرده‌اند:

فعد فنا خاء الزمان و دالها	علی فاء مدلول الکرور یقوم
مع السبعة الاعلام و الناس غفل	علیهم بتدبیر الأمور حکیم
فأشخاصنا خمس و خمس و خمسة	علیهم تری أمر الوجود یقیم
و من قال أن الأربعین نهاییة	لهم فهو قول یرتضیه کلیم
وإن شئت أخبر عن ثمان و لاترد	طریقهم فرد إلیه قویم
فسبعتهم فی الأرض لا یجهلونها	و ثامنهم عند النجوم لزیم ^{۳۵}

از شعر خواجه نصیر طوسی (م ۶۷۲ق) سال ۱۳۴۷^{۳۶} استخراج شده است:

در دور زحل خروج مهدی است	جرم و دجل و دجالیان است
در آخر ————— رواو و اول زاء	چون نیک نظر کنی همان است ^{۳۷}

– رساله‌ای به نام *علامات المهدی* در برخی از منابع کتاب‌شناسی و فهراس نسخ خطی به صدرالدین قنوی (۶۷۳ق) نسبت داده شده است. برخی از منابع از این اثر با نام *رساله فی حق المهدی* نیز یاد کرده‌اند.^{۳۸} نسخه‌ای از این رساله در کتابخانه سلیمانیه در بخش ایاصوفیه در استانبول به شماره ۴۸۴۹ وجود دارد که با نام *رساله فی امر المهدی* معرفی شده است.^{۳۹} در پایان همین نسخه چنین می‌خوانیم:

وأما زمان ظهور المهدي على التعيين فمعلوم لكن لا يمكن التصريح به. لكن في سنة ست وستين [وستمائة] تظہر آية عظيمة يكون سبباً لإيمان أكثر المنكرين لأحوال القيامة وما ذكرنا من أمر المهدي. وفي سني ست وستين وستمائة أيضاً تشهد الخلق من الآيات ما لم يعرفوه ويتحققون وجود المهدي وظهوره وغير ذلك من الآيات المنبهة عليها بلسان النبوة والتحقيق. والله ولي التوفيق.

نسخه‌ای از ترجمه فارسی این رساله نیز در دست است که در آن این تاریخ‌گذاری موجود

نیست و به راحتی می‌توان حذف آن را با توجه به بی‌مفهومی و گنگی ترجمه فارسی دریافت.^{۴۰} برای بررسی بیشتر باید دو نسخه دیگری که از این اثر شناخته شده، رؤیت شود و تطبیق و بررسی بیشتری بر آن صورت گیرد.^{۴۱}

سده نهم

در شعر فارسی، معروف‌تر از همه پیش‌گویی شاه نعمت‌الله ولی ماهانی کرمانی^{۴۲} (م ۸۳۲ یا ۸۳۴ ق) - از مشاهیر صوفیه - است. وی در این زمینه قصیده مشهوری دارد که مطلع آن چنین است:

قدرت کردگار می‌بینم حالت روزگار می‌بینم

تعداد ابیات قصیده در بیشتر نسخه‌های چاپی، پنجاه و هفت بیت است؛ ولی در چندین نسخه خطی مربوط به دوره صفویه و قاجاریه، کمتر است و اختلاف‌هایی نیز دیده می‌شود.^{۴۳} بنا به نقل گزارش کیوان سمیعی، خلاصه آن‌چه در بیشتر نسخه‌ها دیده شده چنین است:

گوینده مدعی است حکم امسال مانند پارسال و پیرارسال نیست و من این مطلب را از روی احکام نجوم نمی‌گویم، بلکه از جانب پروردگار می‌گویم. وقتی سال از «غین» و «راء» و «دال» یعنی هزار و دویست و چهار گذشت، در کار و بار مردم شگفتی‌ها می‌بینم؛ در خراسان و مصر و شام و عراق، فتنه و کارزار برپا می‌شود. از هر طرف ظلم و قتل و غارت و آشوب و فتنه دیده می‌شود. بندگان و فرومایگان به جای خواجگان و آزادمردان می‌نشینند. مذهب و دین ضعیف، و بدعت قوی می‌گردد. ترک و تاجیک به جان هم می‌افتند و امنیت در راه‌ها نمی‌ماند؛ اگر امنیتی باشد در حدود کوهساران خواهد بود. قحطی و خرابی و مکر و تزویر و جور و ستم و تجاوز اشرار به مال و جان مردم همه جا دیده می‌شود؛ اما با این همه گرفتاری‌ها و بدبختی‌ها نباید غم خورد؛ زیرا در میان این تشویش‌ها من شادی و خرمی می‌بینم. چون زمستان پنجمین بگذرد، ششمین زمستان را از خوشی مانند فصل بهار می‌بینم؛ آن وقت است که نایب مهدی آشکار می‌شود و او پادشاهی دانا و سروری باوقار است که به هر کجا رو نهد دشمنانش تار و مار می‌گردند. مدت شهریاری آن پادشاه چهل سال خواهد بود. بعد از او پسرش سلطنت خواهد کرد و او شاهی عالی‌تبار است که بر هفت اقلیم حکومت می‌کند. پس از او خود امام ظهور خواهد کرد که نامش «میم» و «حا» و «میم» و «دال» است. صورت و سیرت او مانند پیغمبر است؛ مهدی وقت و عیسای دوران است؛ دین و دنیا از او معمور می‌شود؛ در آن روزگار اسلام رونق می‌یابد و کفر بی‌اعتبار می‌گردد؛ گرگ با میش و شیر با آهو چرا می‌کنند؛ گنج کسرا و نقد اسکندر در دست مردم قرار می‌گیرد.^{۴۴}

بیت آخر این است:

نعمت الله نشسته در کنجی از همه برکنار می‌بینم

به سبب اعتقادی که برخی از ایرانیان در چند سده اخیر به سراینده داشته‌اند، این قصیده شهرت فراوان یافت و اغلب در هنگام تغییر حکومت‌ها از آن سوءاستفاده‌هایی به عمل آمده است؛ برخی از ابیات آن را تغییر داده، چیزی بر آن افزوده یا از آن کاسته‌اند؛ یا اشارات آن را منطبق با شخص و زمان معینی ساخته‌اند.^{۴۵} به عنوان نمونه محمد مفید مستوفی (سده یازدهم) مؤلف جامع مفیدی، این قصیده را با تکلف بسیار، بر سال خروج شاه اسماعیل اول (۹۰۹ق) از گیلان تطبیق کرده است.

سده دهم

- جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ق) در *الكشف عن مجازة هذه الأمة الألف* از فتوای یکی از علمای اهل سنت گفت و گو می‌کند که بر اساس روایت «أن النبی - صلی الله علیه وسلم - لا یمکث فی قبره ألف سنة» به وقوع خروج مهدی و دجال و نزول عیسی و دیگر اشراف الساعة در سده دهم فتوا داده و به مفاد این حدیث اعتماد کرده است. این در حالی است که سیوطی خود این حدیث را در شمار اباطیل دانسته و برای آن اصلی قائل نیست. سیوطی در ادامه بر اساس دیگر احادیث، وقوع این امور را در قرن دوازدهم می‌داند و می‌نویسد:

در بدبینانه‌ترین حالت، این رخدادها قطعاً پیش از سده پانزدهم به وقوع خواهد پیوست.^{۴۶}

اندیشه هزاره‌گرایی و جست‌وجو درباره آینده جهان، تعیین زمان قیامت و ظهور امام مهدی علیه السلام در میان اهل سنت بر پایه برخی از روایاتی است که در منابع آن‌ها آمده است. همین هزاره‌گرایی بود که فرصت و بستری مناسب را برای مدعیان مهدویت در سده نهم و دهم ایجاد کرد.^{۴۷}

- محمد بن جلال الحسینی بلیانی منجم (زنده در ۹۵۰ق)، از طرف استادش مأمور می‌شود تاریخ ظهور امام مهدی علیه السلام را از طریق رمل و جفر استخراج کند. بلیانی منجم دست به کار شده، پیش‌گویی‌هایی را از زمان نگارش رساله (۹۵۰ق) تا سال ۱۲۱۴ قمری بیان می‌دارد. اولین پیش‌گویی، مربوط به سال ۹۹۶ قمری است. وی می‌نویسد:

و در سال هزار و پنجاه و هفت شروع به الگه‌گیری خواهد نمود و به اندک زمانی اکثر ربع

مسکون را مسخر سازد و اکثراً آثار ظهور حضرت صاحب الامر در ۱۰۷۶ به ظهور آید و در ۱۲۱۴ حضرت صاحب الامر - صلوات الله و سلامه علیه و آباءه - ظهور خواهد نمود، ان شاء الله تعالی.^{۴۸}

- پیرغلام علی طوسی شریف، رساله‌ای حوالی سال ۹۵۰ قمری نوشته و کوشیده است ادله و شواهدی برای ظهور حضرت حجت (ع) در ۱۳ سال بعد - یعنی سال ۹۶۳ ق - اقامه کند. نام رساله بر اساس نوشته خود مؤلف، *مبشّر شاهیه* است. آن چه از نام رساله می‌توان دریافت، ترکیبی است که از «بشارت» به ظهور مهدی و «شاه» یعنی طهماسب در آن عرضه شده و بدین ترتیب بشارت به ظهور، به عنوان نوعی بشارت شاهانه وصف شده است. خود وی می‌گوید:

چون این رساله مشتمل است بر سعادت بشارت قرب ظهور صاحب الامر و الزمان (ع) مسمّی شد به *مبشّر شاهیه*.

روش استدلال او - با ملاحظه منابع و مدارک مورد استناد - نوعی روش ترکیبی با بهره‌گیری از احادیث، علوم غریبه، ماده تاریخ بر اساس حساب جمل، قرانات نجومی و نیز اشعاری از شاه نعمت‌الله ولی است.^{۴۹}

- ابن حجر هیتمی (م ۹۷۴ ق) در *القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر* آورده است:

اجتماع الناس علی المهدی سنة اربع و مائتین. ای بعد الالف، هکذا ورد فی الاثر.^{۵۰}

ابن حماد نیز در *الفتن* تاریخ فوق را آورده و در آخر از قول ابن لهیعه افزوده است:

بحساب العجم لیس بحساب العرب؛^{۵۱}
بر اساس سال‌های شمسی نه قمری.

- از محمد بن پاینده ساوهای (زنده در ۹۷۹ ق) چندین رساله کوتاه مهدوی در دست است که عبارتند از: *در التمام فی تاریخ خروج المهدی*، معنی حدیث «*الائمة من بعدی بعدد نقباء بنی اسرائیل*»، *رساله فی علائم الظهور*، *رساله فی ظهور المهدی*، *رساله جفر الکبیر فی تعیین ظهور المهدی*. گفتنی است همه این آثار به همراه چند اثر مهدوی و غیرمهدوی دیگر (مانند *البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان*، *الکشف عن مجاوزة هذه الامة الالف*^{۵۲} و...) به خط مؤلف بوده و در رجب سال ۹۷۹ قمری - با توجه به محل کتابت رساله دوم مجموعه، برگ ۴۸، احتمالاً در کاشان - کتابت شده است. آثار این نویسنده در مجموعه شماره ۶۳۶ محفوظ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.^{۵۳}

از وی در هیچ‌یک از منابع تراجم اطلاعاتی در دسترس نیست. تنها چیزی که از او می‌دانیم سپری کردن دوران کودکی و بزرگ شدنش در مکه است. همچنین در رؤیایی که نقل می‌کند، از شیخ الاقطاب زمان خود، شیخ شمس‌الدین محمد بن ابوالنجم^{۵۴} بن ابوالنصر الخلیجی (مدفون در یکی از بقعه‌های لار) نام می‌برد. وی در *در الزمان فی تاریخ خروج المهدی* چنین آورده است:

فإن مضي من هذا الزمان ولم يظهر فيها شيء فيظهر برأس ماء الثاني بعد الألف.

و در بخشی از *رساله جفر الکبیر فی تعیین ظهور المهدی* می‌نویسد:

أقول: نعم بعد تسعمائة وثلاثين يظهر ثلاثة أو أربعة مهدي؛ أسمائهم محمد: مهدي النطق والبيان ومهدي السرو السکان ومهدي السيف والأمان ومهدي العدل والإحسان.

مؤلف در ادامه برای هریک از این مهدیان، سالی ذکر می‌کند و به توصیف عملکرد آنان می‌پردازد و در نهایت ظهور مهدی العدل والإحسان را در سده دوازدهم می‌داند.

- اثری با عنوان *رساله در شرح حدیث «دولتنا فی آخر الزمان»* از مؤلفی ناشناخته در ۳۳ برگ به شماره ۱۳۸۱ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی‌نقهداری می‌شود. این نسخه مذهب و شاهانه و هنری، برای شاه طهماسب (م ۹۸۴ق) و در روزگاری تألیف شده است. این نویسنده ناشناخته، رساله مذکور را در شرح این عبارت از امام صادق علیه السلام نگاشته که می‌فرماید:

لِكُلِّ أَنْاسٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُونَهَا وَ دَوْلَتُنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ تَظْهَرُ

در دوره صفوی، به این حدیث درباره اتصال دولت صفوی به دولت قائم علیه السلام، یا در حقیقت مقدمه بودن دولت صفوی برای دولت صاحب‌الزمان، استناداتی صورت گرفته است. این کتاب شامل یک مقدمه توضیحی است که مؤلف پس از آن ۱۲ دلیل برای اثبات این تطبیق می‌آورد. نوع استدلال‌ها نه فقهی، بلکه عمدتاً قریحه‌ای و خطابی است، چنان‌که یکی از موارد استدلال برای درستی تطبیق آن است که تاریخ جلوس این پادشاه با عدد ابجدی «آخر الزمان» برابر است. از این رو نویسنده نتیجه می‌گیرد که دولت طهماسب به دولت صاحب‌الزمان علیه السلام خواهد پیوست.

در لابه‌لای عبارات وی می‌توان هدف اصلی او را از تدوین این رساله دریافت. در جایی

می‌نویسد:

دولت ابد پیوند نواب کامیاب شاهي ظلّ الهی که اشراق انوار رایات نصرت آیاتش از ضیاء وضاء انتساب به خاندان مقدس بنیان نبوت، و لمعان ماهچه اعلام فتح ارتسامش از پرتو

شعاع آفتاب عالم تاب انتساب به دودمان قدسی مکان ولایت و امامت است، در آخر الزمان تا آخر زمان بوده، در آخر به زمان صاحب الزمان - علیه صلوات الله الرحیم الرحمن - متصل گشته، انتهای زمان سلطنت جهان به زمن سعادت اقتران این شاه جهانیان و پادشاه عالمیان باشد، ان شاء الله تعالی و تقدس.^{۵۵}

سده یازدهم

- علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ق) در کتاب رجعت^{۵۶} (تألیف شده به سال ۱۰۷۸ق)، دو حدیث را منطبق با دولت صفوی دانسته، در مقدمه چنین نوشته است:

و در اثنای جمع احادیث، دو حدیث به نظر قاصر رسید که ائمه به ظهور این دولت علیه خبر داده‌اند و به اتصال این سلطنت بهیه به دولت قائم آل محمد - صلوات الله علیهم اجمعین - شیعیان را بشارت فرموده‌اند.^{۵۷}

ایشان در پایان ترجمه و شرح حدیث دوم چنین نگاشته است:

و چون حدیث را اختصار کرده بعضی از وقایع بعد افتاده است اما بشارت به تعجیل ظهور حضرت صاحب الزمان - علیه الصلاة والسلام - و اتصال این دولت دین پرور به دولت حق امام البشر از آخر حدیث ظاهر است.^{۵۸}

آن‌گاه در شرح حدیث سوم که آن را از احادیث مشکله می‌داند، پس از حساب‌های ابجدی مرتبط با حروف مقطعه مذکور در حدیث می‌نویسد:

و اما آن‌که قیام قائم آل محمد - صلوات الله علیه - نزد «الر» است، فقیر را چنین به خاطر می‌رسد که مراد این باشد که پنج «الر» را که در قرآن مجید است همه را حساب باید کرد، به قرینه آن‌که در «الم» که یکی مراد بود جزء آیه بعد را ضم فرمود در هر دو موضع و در «الر» چون مراد همه بود بیان نفرمود و مجموع هزار و صد و پنجاه و پنج می‌شود که تقریباً از سنه تحریر این رساله که سنه هزار و هفتاد و هشت از هجرت است، شصت و پنج سال مانده باشد؛ چون مبدأ آن تواریخ از اوایل بعثت بود.^{۵۹}

سده چهاردهم

- محمدباقر سیرجانی یزدی معروف به لسان العلماء (م ۱۳۱۸ق) در قانون ۲۲ جواهرالقوانین^{۶۰} می‌پرسد: «حضرت خاتم‌الاولیا کیست؟» و سپس سؤال می‌کند: «بفرمایید ظهور موفور السرور قطب دایره امکان، حضرت بقیة الله، امام محمد مهدی - ارواحنا فداه - چه زمانی خواهد بود؟» پاسخ مؤلف به این پرسش، خواندنی است:

به طور یقین احدی از مؤمنین نداند که کدام روز یا فلان ساعت یا فلان هفته، بلکه فلان سال ظهور خواهد فرمود و محمد و آل او علیهم‌السلام تصریح به آن نفرموده، بلکه کراهت از اظهار آن داشته‌اند و به ملاحظات صلاح هم نمی‌باشد و امتحان بزرگی همین غیبت ولی عصر علیه‌السلام است که مؤمنین از منافقین و مرتدین معلوم شوند و به مؤمنین به غیب ثواب عظیم مرحمت فرمایند که در انتظار جان جهان و حجت حضرت رحمان بودند تا جان دادند و حکمت‌های دیگر هست که در این جا مناسب نیست.

سپس سائل می‌پرسد: «بابی‌ها می‌خواهند از حدیث امام باقر علیه‌السلام خطاب به ابولبید، برای خروج میرزا علی محمد تاریخ بسازند؛ در رد آن‌ها چه دارید؟» در این جا سیرجانی وارد بحث شده، در رد آن به حدیث امام حسن عسکری علیه‌السلام استناد می‌کند و برای این که تاریخ ادعایی بابیه منطبق بر خبر ابولبید نباشد توجیهات و برخی وجوه ادبی و حساب ابجدی را ذکر می‌کند و به تاریخ ۱۳۳۵، ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷ می‌رسد و در نهایت تاریخ اول را متناسب با حدیث اول می‌داند. البته وی در یکی از جواب‌ها می‌نویسد:

این احتمالات قابل توجه نیست؛ زیرا که معصوم تا این اندازه ابهام و اجمال نمی‌فرماید و آلا فایده برای فرمودن متصور نیست؛ لهذا احتمال اقوی است که چون سنه ۱۳۳۵ تمام شد کار شیعیان آل محمد علیهم‌السلام اصلاح و خوب خواهد شد.^{۶۱}

دیگر بار سائل می‌پرسد: «دیگر چیزی دارید که دلالت بر قرب وصال محبوب دو جهان - امام زمان علیه‌السلام - کند؟» از این جا به بعد، دیگر مؤلف به ذکر بیش از ده مورد اشعار و عبارات می‌پردازد که از آن‌ها تاریخ ظهور استخراج می‌شود. برخی از این اشعار و تاریخ‌ها بدین قرارند: عبارت حضرت دانیال پیغمبر (۱۳۳۵)، عبارت منقول از میرزا محمد اخباری (۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸)، رباعی یکی از اهالی عرفان (۱۳۲۵ و ۱۳۴۰)، بیت از سعدالدین حموی (۱۳۳۵ و ۱۳۳۷)، بیت دعبل خزاعی (۱۳۳۵)، شعر شیخ عبدالکریم یمانی (۱۳۲۵ و ۱۳۳۷)، رباعی شیخ عبدالرحمان بسطامی (۱۲۲۶، ۱۳۳۸ و ۱۳۴۶)، شعر دیگری از شیخ عبدالرحمان بسطامی (۱۳۳۶)، رباعی خواجه نصیرالدین طوسی (خروج مهدی در ۱۳۳۸ و نابودی دجال و اصحابش در ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷)^{۶۲}، بخشی از شعر شاه نعمت‌الله ولی (۱۳۳۷)، شعر سلطان الغبیک گورکانی (۱۰۳۹ و با اختلاف نسخه ۱۰۴۲ و ۱۳۳۷) و مورد دیگر (۱۳۳۶).^{۶۳}

سائل در سؤال ۳۷ می‌پرسد: «جناب عالی در این باب، تاریخی رقم فرموده‌اید؟». مؤلف نیز در پاسخ این سؤال و سه سؤال دیگر، چهار مورد از اشعاری را که گفته آورده است (تاریخ اشعار مؤلف: ۱۳۳۷، ۱۳۳۷، ۱۳۳۳، ۱۳۴۷).

سائل در سؤال ۴۱ می‌پرسد: «حاصل از این اخبار و اشعار چه شد؟ آیا یقین حاصل می‌شود یا خیر؟» مؤلف در پاسخ چنین نگاشته است:

ما آن چه ممکن بود توجیه کردیم؛ حال یقین حاصل می‌شود یا خیر. یقین امری است قلبی و قهری؛ برای بعضی شاید حاصل بشود، شاید نشود؛ ولی امید قوی دارم که در اوایل سال ۱۳۳۷ عالم را به جمال با جلال ولی حضرت ذوالجلال با نهایت عظمت و اقبال منور فرماید و اهل کفر و شرک و نفاق را به دین خداوند متعال دعوت فرموده، معجزه‌ها هم بر صدق دعوت خود آورده هر که ایمان آورد سالم و هر که اجابت نکرد به شمشیر جدش حیدر کرار ذوالفقار آتش بار، خرمن هستی او را خواهد سوخت و دمار از کفار و اشرار برخواهد آورد.^{۶۴}

از این جا به بعد متن *جواهرالقوانین* مشتمل بر سؤال و جواب‌های مربوط به علایم ظهور و ... است. نکته جالب دیگر این است که در صفحه پایانی کتاب چنین آمده است:

بسم الله و له الحمد. در عهد سلطنت و ولایت و امامت و اواخر غیبت حضرت سلطان السلاطین، امام العارفین، غوث المؤمنین الموقنین، بقیة الله فی العالمین، حجة رب العالمین، باعث ایجاد الاولین و الآخرين الذی بیمن وجوده رزق الوری، امام العصر ناموس الدهر، مرکز العالم، صاحب الصمصام الاعظم، خاتم الاولیاء و الأوصیاء، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی و فاطمة بنت محمد بن عبد الله - صلی الله علیهم - در مطبعة مبارکه کرمان به زیور طبع آراسته گردید و تصحیح آن را خود مصنف نمودند و طبع آن آزاد است؛ محرم ۱۳۳۴.

- شیخ محمد واعظ یزدی حائری، ملقب به صدر الواعظین^{۶۵} (م ۱۳۳۷ یا ۱۳۳۳ ق) در *تبشیر المحرورین* وقوع ظهور را در بین سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۵ قمری می‌داند. وی در مقدمه این کتاب چنین می‌نویسد:

... اینک گوییم امید فرج از برای شیعی مذهبان در این دو سه سال قوی است و اخبار بسیار دلالت بل صراحت دارد تا سی و پنج [۱۳۳۵] لکن این فرج، ظهور خود حضرت است یا قسمی دیگر، هنوز صریحاً نتوان گفت و از جمله آن‌هاست آن چه در کتاب دانیال است که تاکنون به طور دقت آن را ملاحظه نکرده بودیم.^{۶۶}

۳۷

- ابو القاسم نجم الممالک (م ۱۳۸۰ ق) در ابتدای تقویمی که برای سال ۱۳۴۳ قمری تهیه کرده، با عنوان «قابل توجه عموم»، سال ۱۳۴۷ قمری را برای ظهور امام مهدی تعیین کرده است.^{۶۷}

- ناظم الاسلام کرمانی (۱۲۸۰ - ۱۳۳۷ق) در بخشی از کتاب *علائم الظهور*، از وقت ظهور سخن به میان آورده و ضمن آن که تأکید دارد برای ظهور تعیین وقت نباید کرد، قراین و شواهدی برای تعریف کلی از وقت ظهور ارائه کرده است. به رسم معمول، از تمام آن چه پیشینیان گفته‌اند نمونه‌هایی آورده و از جمله به تفصیل از اشعار شاه نعمت‌الله ولی (ص ۸۶ - ۹۴) که غالب آن‌ها ساخته دوره پس از اوست یاد کرده است. به هر حال این مقاله از مطالبی که درباره وقت ظهور گفته شده است سخن می‌گوید. اما در مقاله پنجم - که هدف اصلی کتاب به شمار می‌رود - بحث از علایم ظهور است. در این بحث بسیار هم طولانی، نویسنده آن چه را بر اساس روایات فراوان یا حتی اظهارات کسانی از بزرگان یافته، به ترتیب آورده است. در میان این مطالب، وی مشروطه را یکی از علایم ظهور دانسته و از آن جا که وی سخت طرفدار مشروطه است، تلاش کرده این انقلاب را نشانه‌ای از نزدیک بودن ظهور معرفی کند. فاضل کرمانی در این کتاب پس از نقل روایت امام حسن عسکری علیه السلام از *مجمع‌التورین* فاضل مرنندی، پس از محاسبات، به عدد ۱۳۸۸ می‌رسد.^{۶۸}

- ابو الحسن مرنندی (۱۳۴۹ق) در *مجمع‌التورین* از حدیث امام حسن عسکری علیه السلام سال ۱۳۲۹ را استخراج کرده است.^{۶۹}

- حاج شیخ علی اکبر نهاوندی (۱۳۶۹ق) در *العقبری الحسان* درباره یکی از واعظان معاصر خود چنین نوشته است:

یکی از وعاظ معروف ایران حدود پنجاه سال قبل به کزات در بالای منبر به پیرمردهای هشتاد و نود ساله خطاب نموده، می‌گفت: امروز و فردا مهیای ظهور و دیدن حضرت امام زمان باشید به نحوی که هر پیرمردی خیال می‌کرد در همان سال و ماه حضرت را ملاقات خواهد نمود. تا حال قریب پنجاه سال می‌گذرد و هنوز از ظهور آن بزرگوار خبری نیست.^{۷۰}

معاصران

- یکی از بزرگانی که از ایشان توقیت‌های مکرر شنیده شده است، مرحوم محمدحسن میرجهانی (۱۳۷۱ش) نویسنده *نوائب الدهور* است. از جزئیات سال‌های توقیتی ایشان اکنون اطلاعی در دست نیست، ولی در میان توقیت‌های معاصر، وقت‌گزاری ایشان از شهرت خاصی برخوردار است. مرحوم میرجهانی در پاره‌ای از علوم غریبه و... ید طولایی داشت.^{۷۱}

- مرحوم محمدشریف رازی (۱۳۷۹ش) نویسنده *آثار الحجة*، *گنجینه دانشمندان* و *اختران فروزان ری و تهران* از چهره‌های قابل اعتنای حوزه علمیه قم بود و در نگارش تاریخ حوزه از تأسیس تا

حوالی انقلاب، سهمی اساسی داشت. ایشان در *گنجینه دانشمندان* (ج ۲، ص ۷ - ۸) می نویسد:

این جانب در ۱۳۶۲ قمری که برای تحصیل مشرف بودم به نجف، در بحبوحه ریاست و مرجعیت تامة و عامه مرحوم آیت الله اصفهانی رحمته الله که هنوز آن جناب اسمی نداشت و جز عده ای از فضلا و علما وی را چندان نمی شناختند و من اسم او را نشنیده بودم. شبی در عالم رؤیا خدمت یکی از معصومین علیه السلام مشرف شده و از علایم ظهور حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - سؤال کردم. جواب هایی دادند که از آن ها این بود: «حاج سید ابوالقاسم خوبی یکی از مبشرات فرج است.» خلاصه در روز آن از صاحب این اسم استفسار کردم، گفتند: یکی از مدرّسین نجف است، ولی اکنون در مسافرت می باشد. من در حرم حضرت امیر - علیه السلام رزقنا الله زیارته و شفاعته - مشرف شده، عرض کردم: «آقا جان، اگر این خواب صحیح و مکاشفه صادقه است، وقتی من این آقا را ملاقات کنم که در حرم مطهر حضور شما باشد.» و برای احدی این خواب را نگفتم تا بعد از دو ماه تقریباً که یک روز صبح حال خوشی داشتم در حرم. دیدم سیدی در مقابل من ایستاده، برخاستم و نزدیک وی رفتم و سلام کردم و گفتم: «آقای حاج سید ابوالقاسم خوبی شما یید؟» فرمودند: «مقصود؟!» گفتم: «بفرمایید شما یید؟» گفتند: «آری منم.» پس جریان را عرض کردم و اضافه نمودم که من برای شما سه بشارت دارم: ۱. شما حاجی هستید و حج شما قبول شده (در صورتی که نمی دانستم این آقا حج رفته و یا نه)؛ ۲. شما سید هستید؛ ۳. آن جناب از مبشرات فرج و ظهور مولای ما حضرت صاحب الزمان - روحی فداه - می باشد.» و الحمد لله که از دنیا نرفته آن جناب را یکی از نواب عام و مراجع بنام - دام ظلّه علی رؤس الانام - دیدم و انتظار دارم نمیرم و ببینم که معظم له پرچم شیعه را به دست گرفته و با منتظرین و انصار آن حضرت به استقبال حضرت می شتابد.^{۷۲}

- یکی از نویسندگان معاصر در کتابش نوشته است:

مرحوم پدرم از کسانی بود که شاید مکرّر خدمت حضرت بقیة الله علیه السلام رسیده بود که اولین دفعه اش در سنّ شانزده سالگی بوده که در همین کتاب آن را نقل کرده ام. او معتقد بود که تا زمان ظهور امام عصر علیه السلام زنده است. لذا هر زمان که به بیماری سختی مبتلا می شد، به من می گفت: «غصه نخور! من نمی میرم، خوب می شوم، باید تا زمان ظهور زنده باشم.» در سال ۱۳۹۷ ق در روز ۲۴ شعبان خدمتش رفتم. مختصر کسالتی داشت، سر به گوش من گذاشت و گفت: «جمعه ای که می آید نه، جمعه بعدی، من از دنیا می روم.» گفتم: «شما که می گفتید: من تا زمان ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام زنده ام.» فرمود: «بله قرار بود؛ ولی به من فرمودند: از این دنیا برو خستگی ات را بگیر، اگر خواستی می توانی برگردی؛ زیرا ظهور، قدری تأخیر شده است.» پس از آن روز کسالتش رو به شدت گذاشت و من همه روزه از معظم له عیادت می کردم و او همه روز منتظر روز جمعه بود تا آن که شب جمعه، هشتم

ماه مبارک رمضان ۱۳۹۷ ق رسید. این جمعه همان جمعه‌ای بود که او انتظارش را می‌کشید. وقتی در آن شب از او عیادت کردم و پرسیدم: «حالتان چطور است؟» گفت: «بسیار خوب؛ دو انتظار داشتم که هر دو فراهم شد: اول آن که به این جمعه که با محبوب وعده ملاقات دارم رسیده‌ام، و دیگر آن که مایل بودم در وقت رفتن از این دنیا فرزندانم دورم جمع باشند که هستم.» تصادفاً در روز پنج‌شنبه هفتم رمضان - یعنی یک روز قبل از فوتش - تمام فرزندانش که بعضی در قم بودند، به مشهد آمدند و او در همان روز موعود - یعنی جمعه، هشتم ماه رمضان ۱۳۹۷ ق - از دنیا رفت؛ خدا رحمتش کند.^{۷۳}

- نگارنده کتاب *نشانه‌های یار و چکامه انتظار* خاطره عبرت‌انگیزی درباره توقیت و تطبیق دارد.

وی می‌نویسد:

حدود یک سال از جنگ خلیج فارس و حمله نظامی عراق به کویت گذشته بود و در آذرماه و سالگرد شهادت دکتر مفتاح و روز وحدت حوزه و دانشگاه بود. به همین مناسبت تعداد زیادی از برادران دانشجو از دانشگاه‌های مختلف سطح کشور به قم آمده بودند تا طی سه روز اقامت در جوار بارگاه نورانی حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) با برخی از علما دیدار داشته و نیز از برخی مراکز حوزوی بازدید کنند.

آن سال این عزیزان در مدرسه‌ای از مدارس علمیه اسکان یافتند که محل بحث و درس صاحب این قلم بود. مقارن با ایام استقرار برادران دانشجو در مدرسه، یکی از خطبای کهن سال - که ده‌ها سال پیش با خطابه آتشین خود، بسترساز یکی از قیام‌های خونین مردمی علیه رژیم شاهنشاهی شده بود - در کمال گمنامی و تواضع و بی‌سرو صدا به این مدرسه تشریف آورده، وقتی برخی از روحانیون قدیمی وی را شناختند و آرام آرام خبر آن در مدرسه پخش شد و به گوش عزیزان دانشجو رسید، به سوی وی شتافتند و از ایشان خواستند که مطالبی بیان فرماید. ایشان نیز پذیرفت و شب پس از نماز مغرب و عشا حدود یک ساعت به ایراد سخنرانی پرداخت و سخنان سودمندی با همان لحن گرم و مهارت مورد توقع بیان داشت. در بخش پایانی گفتار خویش، ناگاه از نزدیک شدن ظهور حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه) خبر داده و ابراز داشت که همین صدام حسین خبیث - که منطقه را به آشوب کشیده و نخست ایران و سپس کویت را اشغال کرده - از نشانه‌های ظهور است؛ آری، او [احتمالاً] همان سفیانی ملعون است و بدانید که حضرت حجت (علیه السلام) پس از دو سال ظهور خواهد کرد!

این جانب از سخنان اخیر ایشان سخت متأثر شدم، بدین جهت که احتمال این انطباق را ناچیز می‌انگاشتم و به دو سال بعد و حالت ناخوشایند تحقیر مخاطبان جوان این سخنان می‌اندیشیدم. پس از پایان سخنرانی ایشان به سراغ چند تن از دانشجویان عزیز رفتم که با یکدیگر مأنوس شده بودیم. آنان با حرارت زاید الوصفی از مسئله ظهور و نزدیکی آن یاد

می‌کردند. حقیر سعی کردم ضمن حفظ احترام به شخصیت گوینده بزرگوار، به شکل غیرمستقیم به آن برادران گوشزد کنم که این کلام را جدی نگیرند. آن ایام سپری شد و دوستان دانشجوی ما به شهرهای خود بازگشتند. چند سال بعد به طور اتفاقی در دانشگاه فردوسی مشهد به یکی از آن عزیزان برخوردیم و پس از عرض سلام و احوال‌پرسی به اتاق ایشان رفتم و وی در ضمن صحبت‌های خود اظهار داشت که دو تن از دانشجویان کرمانشاهی و سبزواری که فرمایش آن شب خطیب محترم مورد قبولشان واقع شده بود، با سپری شدن دو سه سال از آن تاریخ و اثبات نادرستی آن سخنان، دچار مشکلات روحی و بعضاً شبهات دینی شدند و...^{۷۴}

- یکی دیگر از این توقیت‌ها ماجرای است که در کلام مرحوم آیت الله میرزا جواد تبریزی (م ۱۳۸۵ ش) در دیدار با دانش‌پژوهان مرکز تخصصی مهدویت آمده است:

حرف دیگر ما این است که باید زمینه را مساعد کنید که اگر غیبت، صد هزار سال هم طول بکشد عقاید مردم خراب نشود. فردی بود هر روز می‌گفت: «حضرت می‌آید، ظهور نزدیک شده». یک بار گفت: «سه ماه دیگر حتماً آقا می‌آید». سه ماه بعد گفتیم: «چه شد؟» گفت: «بداء حاصل شد!!» [این چیزها، عقیده مردم را خراب می‌کند]. باید کاری کنیم که ایمان راسخ پیدا کنیم. خداوند داستان چهار پرنده را [در ماجرای حضرت ابراهیم علیه السلام] نقل می‌کند تا ایمان راسخ پیدا شود. طرح ادله متقن در اثبات امامت و وجود حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - به همراه نقل بعضی داستان‌های متقن که حاکی از عنایت، توجه و یاری حضرت است در قلوب تأثیر می‌کند و می‌رساند امام زمان الطاف خفیه دارد. البته مراقب باشید نه هر داستانی و از هر کسی [بلکه] داستان‌های متقن و مسلم از بزرگان و اشخاص مورد وثوق. علی‌ای حال نظایر این قضایای متقن را به مردم و جوانان بگویید تا منقلب شوند، نوع جوانان بحمدالله خوبند و از فطرت‌های پاکی برخوردارند.^{۷۵}

- در ادامه هشت مورد از توقیت‌های انجام گرفته در جهان معاصر عرب را به نقل از مقاله «چرا [از اعلام] زمان ظهور نهی شده است؟»^{۷۶} بازخوانی می‌کنیم. گفتنی است وقت‌گزاری در دو مورد آخر از سوی نویسندگان اهل تسنن بیان شده است:

۱. عبد محمد حسن، در *اقترب الظهور* با استناد به برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام و تطبیق آن با

اوضاع و احوال جهان می‌نویسد:

زمان ظهور امام نزدیک شده است و امام در روز شنبه ۱۰ محرم سال ۱۴۲۹ قمری، برابر با ۱۹ ژانویه ۲۰۰۸ میلادی ظهور می‌کند.

او در کتاب خود، به برخی نشانه‌های پیش از ظهور و زمان روی دادن آن اشاره می‌کند.

۲. جابر البلوشی در *ظهور الامام المهدی علیه السلام عام ۲۰۱۵ م. نبوءة قرآنية*، ظهور امام علیه السلام را بر اساس علم اعداد و حروف و نیز با توجه به آیات قرآن، روز شنبه دهم ماه محرم سال ۱۴۳۷ قمری دانسته است.

۳. فارس فقیه، در جزوه‌ای با نام *انت الان فی عصر الظهور* نام و مصادیق شخصیت‌های دوران ظهور مانند خراسانی، یمانی، شعیب بن صالح و... را از میان شخصیت‌های کنونی مشخص کرده است. وی همچنین جزوه دیگری به نام «جميع الأدیان تقول أنه عصر ظهور» منتشر کرده است.

۴. ماجد المهدی، در فصلی از کتاب *بدا الحرب الأمريكية ضد الإمام المهدی علیه السلام* درباره تعیین زمان ظهور چنین نوشته است:

آیا تعیین کردن زمان ظهور مبارک ایشان، حرام و نهی شده است؟ روایت‌ها و عقل این را نفی می‌کند!!

او سپس به بررسی موضوع تعیین زمان ظهور می‌پردازد و می‌گوید:

حتی دشمنانمان از نزدیک بودن زمان ظهور آگاه هستند، در حالی که ما می‌خواهیم با دلایل واهی و نادرست، سر خود را مانند کبک زیر برف کنیم.

۵. سیّد محمدعلی طباطبایی در *مائتان وخمسون علامة*، زمان‌هایی را به عنوان سال ظهور مشخص کرده است و در فصل یازدهم آن گفته است: «این‌ها تنها می‌تواند یک احتمال باشد». ۶. سیّد حسین حجازی در کتابی با عنوان *استعدوا فإن الظهور قریب* نوشته است:

بدون این‌که تاریخی برای فرج تعیین کنیم، با مطالعه این کتاب و پس از تأمل، اندیشه و درنگ به این نتیجه می‌رسیم که زمان ظهور نزدیک است و به طور دقیق‌تر باید بگوییم که حتی سالمندان ما هم باید آروزی دیدار مولایمان را در زمان حیات خود داشته باشند.

۷. احمد عبدالله زکی عمیش در مصر، در *رائ المهدی المنتظر علی قید الحیة*، ۱۲ دلیل بر زنده بودن مهدی موعود اسلامی ذکر کرده است. همچنین وی گفته است مهدی حداکثر تا سال ۱۴۳۰ قمری خروج می‌کند.

۸. بسام نهاد جراد نیز در فلسطین در کتابی به نام *زوال اسرائیل عام ۲۰۲۲ نبوءة أم صدف رقمية* مسئله نابودی اسرائیل را در سال ۲۰۲۲ میلادی با ظهور امام مهدی علیه السلام مرتبط می‌داند.

مستندات توقیت‌کنندگان

با توجه به برخی از گزارش‌های فوق - که مستند آن در دست بود - می‌توان مستندات

وقت‌گزاران را در موارد زیر جای داد:

روایات: همان‌طور که دیدیم، مستند برخی از این توقیت‌ها روایات فریقین در این باره است. توقیت سیوطی، ابن حجر هیتمی از میان اهل سنت، و از بین شیعیان وقت‌گذاری علامه مجلسی رحمته‌الله^{۷۷} و صاحب *جواهرالقوانین*^{۷۸} از این قرار است. روایات هزاره‌گرایانه و فتوای برخی از اهل سنت نیز - که پیش‌تر ذکر شد - در این بخش جای می‌گیرد.

علوم غریبه: یکی از این نمونه‌ها، مطلبی است که محمد بن پاینده ساوه‌ای در *کتاب درالتمام فی تاریخ خروج المهدی* علیه‌السلام آورده است. وی می‌نویسد:

ورأیت فی مفتاح جفر الکبیر عن علی بن ابی طالب علیه‌السلام قال: من عرف سرّ حرف الشّین عرف ظهور المهدی.^{۷۹}

کشف و شهود: از بهترین نمونه‌های آن، همان شعر معروف شاه نعمت‌الله ولی است که وی در شعر خود به این مطلب تصریح کرده است. ظاهراً باید مستند وقت‌گذاری دیگر عارف‌مسلمان را همین کشف و شهود معرفی کرد. گفتنی است بیان وقت از سوی این عارفان در قالب شعر به دست ما رسیده است. صاحب *جواهرالقوانین* پس از بیان عدد مربوط به توقیت در شعر محیی‌الدین عربی در پاسخ این‌که از کجا معلوم است که مراد شاعر این بوده است، جواب می‌دهد: «شاید روح‌القدس به زبان او داده؛ چنان‌که به زبان حقیر داده که شرح کنم؛ والله اعلم!»^{۸۰}

اشعار: درباره برخی از اشعار به نظر می‌رسد سراینده، قصدی برای تعیین تاریخ ظهور امام زمان نداشته است و این دیگران هستند که این اشعار را دستاویزی برای توقیت‌هایشان قرار داده‌اند؛ مانند این بیت از تائیه دعبل خزاعی که آن را برای امام رضا علیه‌السلام قرائت کرده است:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَهَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ^{۸۱}

چنان‌که در گزارش نیز دیدید، بیشتر توقیت‌ها در قالب شعر بیان شده بود. در این‌که مستند توقیت‌ها در شعر چیست، در بیشتر موارد می‌توان منابع اشعار را کشف و شهود دانست.^{۸۲}

خواب و رؤیا: وقت‌گذاری مرحوم محمدشریف رازی (م ۱۳۷۹ ش) از این دست است.

چرایی و انگیزه توقیت

برای بحث درباره انگیزه توقیت‌کنندگان به منابع و مستندات بیشتری نیاز است؛ با این حال، برخی از انگیزه‌ها برای تعیین زمان ظهور عبارتند از:

بحث روایی: برخی از توقیت‌کنندگان از آن‌جا که روایات و احادیثی در این باب یافته‌اند، انگیزه‌ای جز بحث و گفت‌وگوی روایی نداشته‌اند و در تبیین روایات مذکور مجبور به استخراج سال ظهور شده‌اند. در این قسمت می‌توان از علامه مجلسی در میان شیعیان و سیوطی در میان اهل سنت نام برد. بررسی روایات متضمن بر وقت ظهور نیازمند بررسی سند و محتوای و از عهده این مقاله خارج است و باید در نوشتاری دیگر بررسی شود.

بشارت ظهور: برخی برای مژده نزدیک شدن ظهور، از ابزار توقیت برای اقناع مخاطب به تطبیق و توقیت روی آورده‌اند. مانند وقت‌گزاری مرحوم محمدشریف رازی و موردی که در خاطره نویسنده کتاب *نشانه‌های یاروچکامه انتظارآمده* است.

حرام نبودن توقیت: برخی از وقت‌گزاران، ضمن حرام ندانستن توقیت، بیان وقت را امری نیکو می‌شمارند؛ از این‌رو دست به توقیت زده‌اند. مانند ماجد المهدی در فصلی از کتاب *بدأ الحرب الأمريكية ضد الإمام المهدي عليه السلام*، یا برخی از وقت‌گزاران زمان‌های اعلام شده را جزء توقیت‌های حرام ندانسته‌اند و به همین دلیل اقدام به تعیین وقت کرده‌اند.^{۸۳}

تطبیق منجر به توقیت: برخی از اشخاص با رویکرد تطبیق جریان‌ها و اشخاص عصر ظهور، ناخودآگاه در دام تعیین محدوده زمانی ظهور گرفتار می‌شوند.

رویارویی با توقیت‌کنندگان

متأسفانه تاکنون در منابع مهدوی درباره چگونگی رویارویی بزرگان، علما و ... درباره توقیت‌کنندگان (تأیید، تکذیب و ...) مطالب چشم‌گیری به دست نیامده است. یک نمونه از این یافته‌ها به مطالب محمد شفیع حسینی عاملی (زنده در سده دوازدهم) در *محافل المؤمنین* مربوط است. محمد شفیع عاملی در *محافل المؤمنین* چنین می‌نویسد:

و مخفی نماند که توقیت آن حضرت به زمان معین منافی روایات کثیره داله است بر عدم معرفت احدی از مردمان به خصوص وقت او «و کذب الوقاتون» ... و بعضی از جمله علما رسائل در این باب نوشته‌اند، و اتصال دولت صفویه را به ظهور حضرت صاحب‌السلام مذکور ساخته‌اند، خالی از چیزی نیست. و محققین اهل عرفان مثل شاه نعمت‌الله کرمانی و غیره در این باب به قصاید غراء پرداخته‌اند. قصیده من اوله الی آخره بیان می‌شود تا عارفان عاقل و عاقلان کامل که رسائل در باب توقیت آن حضرت پرداخته‌اند و به علوم ناقصه جفر و نجوم و رمل و غیرهم قائلند و اخباری که از خاندان نبوت و ولایت صادر شده حمل بر ظاهر می‌نمایند و یا آن که برای خود تأویل می‌کنند و از خبر «ان احادیثنا صعب و مستصعب» غافلند، پنبه غفلت از گوش کشیده، دانند که کارکنان علم غیب، حقیقت

احوال را به مضمون «وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ»، «و ما يعلم الغیب الا هو»، کسی را از غیبت، از این کارگاه باخبر و به کلیات امور مستحضر نمی‌سازند. اگر بعضی به حدسی صائب برخورد، از مقوله گاه باشد که کودک نادان از غلط تیر بر نشانه زند.^{۸۴}

میرزا محمد هاشم (م سده ۱۳) متخلص به آصف و ملقب به رستم الحکما در رستم/التواریخ عبارت طنزآمیزی در رد نظریه اتصال دولت صفوی به دولت امام زمان علیه السلام و دولت آخرالزمانی بودن صفویه دارد:

چون آن جنت آرامگاهی به دلایل و براهین آیات قرآنی حکم‌های صریح نمود که سلسله جلیله ملوک صفویه، نسلاً بعد نسل به ظهور جناب قائم آل محمد خواهد رسید، از این احکام قوی دل شدند و تکیه بر این قول نمودند و سر رشته مملکت داری را از دست رها نمودند.^{۸۵}

در سال‌های اخیر نیز پس تهیه و توزیع مستندی موسوم به «ظهور بسیار نزدیک است»، مراجع تقلید و بزرگان و مراکز علمی - دینی به انتقاد از این مستند پرداختند و واکنش نشان دادند. از جمله این واکنش‌ها مطالبی است که در خبرگزاری‌ها از زبان آیت‌الله سیستانی موجود است. برخی از این سخنان چنین است:

توقیت‌ها و تطبیق‌ها برای نزدیک بودن ظهور حضرت حجت علیه السلام بسیار نگران‌کننده است و این مطالب عقاید مردم را هدف گرفته و باعث تضعیف اعتقادات جامعه می‌شود. ... چنین جریاناتی نباید در کشوری مانند ایران شکل بگیرد. یک روز شعیب بن صالح را به یک فرد و بار دیگر به فرد دیگری تطبیق می‌کنند. این مسائل نگران‌کننده است. ... مردم از این جریانات پرهیز کنند و مراقب باشند؛ چون این مطالب با عقاید آن‌ها بازی می‌کند و باعث تضعیف معتقداتشان می‌شود.^{۸۶}

نتیجه

صرف نظر از حکم شرعی توقیت و مشکلاتی که این وقت‌گزاری‌ها در جامعه مهدوی ایجاد می‌کند، باید گفت: وقت‌های مشخص شده به خوبی نشان می‌دهد که این وقت‌گزاری‌ها هیچ اعتباری ندارد؛ آن‌هایی که تاریخشان سپری شده، به وقوع نپیوسته و اعتبارشان بیش از پیش زیر سؤال رفته است؛ توقیت‌هایی نیز که هنوز زمانشان نرسیده، چون مدرک متقن و یقین‌آوری ندارند، حتی به اندازه احتمالی ضعیف نیز به شمار نمی‌آید و برای کسی نمی‌توانند حجت باشند.

از دیگر سو، از آن‌جا که در زمان ما رسانه‌ها از کارکرد بالایی برخوردارند و دشمنان اسلام

– به‌ویژه بدخواهان تشیع – همه‌توان خود را به کارگرفته‌اند تا چهره‌ اسلام و تشیع و مهدویت را خدشه‌دار کنند، بر ماست که بهانه به دست آن‌ها ندهیم و اندیشه‌ سترگ مهدویت را زیر تهمت و ابتذال رسانه‌ای آنان بی‌ارزش نگردانیم.

تنها وظیفه‌ ما ترویج صحیح اندیشه‌ مهدویت و ایجاد شوق و آمادگی عمومی برای ظهور آن حضرت با شیوه‌های شرعی، عاقلانه و درست است. باید مهدوی بیندیشیم و مهدی‌باور و مهدی‌یاور باشیم. اگر این‌گونه باشیم آن حضرت از ما خشنود خواهد شد. اگر در زمان ظهورش زنده باشیم به لطف حضرتش در رکاب او خواهیم بود و اگر زمان ظهور و حکومت را درک نکنیم، امید است در زمره‌ رجعت‌کنندگان قرار گیریم. کسی که امامش را خوب بشناسد و به وظیفه‌ خود عمل کند، پیروز خواهد و در این سودا پیشاپیش برنده است. امام صادق علیه السلام به زراره فرمود:

اعْرِفْ إِمَامَكَ، فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ؛^{۸۷}

امامت را بشناس؛ زیرا هرگاه او را شناختی این کار (ظهور) چه زود اتفاق بیفتد و چه تأخیر شود به تو ضرری نخواهد رساند.

همچنین فضیل بن یسار می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره‌ آیه *﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾*^{۸۸} پرسیدم؛ فرمود:

اعْرِفْ إِمَامَكَ، فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ، وَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ، لَا بَلْ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لُؤَائِهِ؛^{۸۹}

امامت را بشناس؛ زیرا هرگاه او را شناختی این کار (ظهور) چه زود اتفاق بیفتد و چه تأخیر شود به تو ضرری نخواهد رساند. هرکس امامش را بشناسد و پیش از این‌که صاحب این امر قیام کند بمیرد، مانند آن است که در سپاه قائم باشد، نه، بلکه مانند آن است که زیر پرچم قائم باشد.

امام جواد علیه السلام درباره‌ وجوب انتظار امام زمان علیه السلام در زمان غیبت و اطاعت وی در زمان ظهور و حضور، خطاب به عبدالعظیم حسنی می‌فرماید:

الْمُهْدِيُّ الَّذِي يَحِبُّ أَنْ يَنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَهُوَ الثَّالِثُ مِنْ وَلَدِي؛^{۹۰}
مهدی کسی است که به انتظار او ماندن واجب است و او کسی است که در زمان ظهورش اطاعت می‌شود و او سومین از فرزندان من است.

منابع

- *إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب*، على بن زين العابدين حائري يزدي، تحقيق: على عاشور، بيروت، مؤسسة الأعلمي، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، محمد باقر بن محمدتقی مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- «بهار بی خزان؛ کتاب شناسی و نسخه شناسی آثار مهدوی علامه بهاری»، احمد رنجبری حیدر باغی، *پژوهش های مهدوی*، سال اول، ش ۱، تابستان ۱۳۹۰ش.
- «پایان تاریخ از دیدگاه اهل سنت»، رسول رضوی، *مشرق موعود*، سال اول، ش ۲، تابستان ۱۳۸۶ش.
- *پرواز روح*، سید حسن ابطحی، قم، انتشارات ندای مصلح، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
- *تاریخ پس از ظهور*، سید محمد صدر، ترجمه: حسن سجادی پور، تهران، انتشارات موعود عصر ع، ۱۳۸۴ش.
- *تباشیر المحرورین*، شیخ محمد واعظ یزدی حائری، کربلا، مطبعة حسینی، چاپ دوم (سنگی)، ۱۳۳۲ق.
- *تحقیقات ادبی یا سخنانی پیرامون شعرو شاعری*، کیوان سمیعی، تهران، انتشارات زوار، چاپ اول، ۱۳۶۱ش.
- *جواهر القوانین*، محمد باقر بن اسماعیل سیرجانی یزدی کرمانی، چاپ سنگی، ۱۳۳۴ق.
- «چرا [از اعلام] زمان ظهور نهی شده است؟»، مجتبی السادة، ترجمه: سید شاهپور حسینی، ماهنامه موعود، سال چهاردهم، ش ۱۰۹، ۱۳۸۸ش.
- *الحاوی للفتاوی*، جلال الدین السيوطی، بیروت، دار الفكر للطباعة والنشر، ۱۴۲۴ق / ۲۰۰۴م.
- «در محضر حضرت آية الله العظمی تبریزی»، فصل نامه *انتظار*، سال دوم، ش ۵، تابستان ۱۳۸۱ش.
- *الذريعة إلى تصانيف الشيعة*، محمد حسن (آقابزرگ) تهرانی، قم، اسماعیلیان - تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۴۰۸ق.
- «رساله مبشّره شاهیه در اثبات ظهور مهدی ع در سال ۹۶۳»، به کوشش رسول جعفریان، فصل نامه *پیام بهارستان*، سال چهارم، ش ۱۶، تابستان ۱۳۹۱ش.
- *رستم التواریخ*، محمد هاشم آصف، تصحیح: میترا مهرآبادی، تهران، انتشارات دنیای کتاب،

- چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش.
- روح مجرّد؛ یادنامه مؤحد عظیم و عارف کبیر حاج سید هاشم موسوی حداد، سید محمد حسین حسینی طهرانی، مشهد، انتشارات علامه طباطبایی، ۱۴۲۵ ق.
- سرالفتح (ناظر بر پرواز روح)، سید محمد حسین حسینی طهرانی، مشهد، انتشارات علامه طباطبایی، ۱۴۳۳ ق.
- شاه ولی و دعوی مهدویت (به ضمیمه رساله مهدیه از همان عارف)، حمید فرزاد، اصفهان، دانشگاه اصفهان و فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ش.
- شرح الکافی (الأصول والروضه)، ملّا صالح مازندرانی، تصحیح و تعلیق: میرزا ابو الحسن شعرانی، چاپ اول، تهران، المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۲ ق.
- شناخت نامه علامه سید عبدالهادی حسینی دلیجانی، سید محمود مرعشی، قم، انتشارات کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش / ۱۴۲۸ ق.
- صراط النجاة فی اجوبة الاستفتاءات، ابوالقاسم خویی، تعلیق: جواد تبریزی، قم، دفتر نشر برگزیده، ۱۴۱۶ ق.
- العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان علیه السلام، علی اکبر نهاوندی، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۸ ش.
- عنقاء مغرب فی ختم الاولیاء و شمس المغرب، محیی الدین بن عربی، تحقیق: بهنساوی احمد السید الشریف، مصر، المكتبة الازهریة للتراث، چاپ اول، بی تا.
- عوالم العلوم و المعارف و الاحوال (فی احوال الامام الحجة علیه السلام)، شیخ عبدالله بحرانی اصفهانی، تحقیق: مؤسسة الامام المهدي علیه السلام، مستدرکات: سید محمدباقر بن مرتضی موسوس مؤحد ابطحی اصفهانی، قم، انتشارات عطر عترة، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش / ۱۴۳۲ ق.
- الغیبة للحجة، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: عبادالله طهرانی و علی احمد ناصح، قم، بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
- الفتن، نعیم بن حمّاد مروزی، تحقیق: سمیر بن امین زهیری، قاهره، مكتبة التوحید، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
- فهرستگان نسخه های خطی (حدیث و علوم حدیث شیعه)، علی صدراپی خویی، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
- فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش پژوه، تهران، انتشارات

- دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۸ش.
- فهرست نسخه های خطی کتابخانه غرب - مدرسه آخوند همدانی، جواد مقصود همدانی، تهران، چاپخانه آذین، ۱۳۵۶ش.
- فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، سید محمود مرعشی و همکاران، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، عبدالحسین حائری، تهران، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
- فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، سید احمد حسینی اشکوری، قم، وزیری، چاپ اول، ۱۳۸۴ش / ۱۴۲۶ق.
- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم، رضا استادی، قم، چاپخانه مهر، چاپ اول، ۱۳۹۶ق.
- القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، ابن حجر الهیثمی، تحقیق: مصطفی عاشور، قاهره، مکتبة القرآن، ۱۹۸۷م.
- الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، تحقیق: دارالحديث، قم، سازمان چاپ و نشر مؤسسه فرهنگی دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
- کتاب الغیة، محمد بن ابراهیم نعمانی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.
- کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی بن بابویه صدوق، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
- گنجینه دانشمندان، محمدشرف رازی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۵۲ش.
- محافل المؤمنین فی ذیل مجالس المؤمنین، محمدشفیع بن بهاءالدین حسینی عاملی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ش.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دار الکتب اسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام، هیئت علمی بنیاد معارف اسلامی، قم، انتشارات بنیاد معارف اسلامی و مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
- معجم التاریخ التراث الإسلامی فی مکتبات العالم، علی رضا قره بلوط و احمد طوران قره بلوط،

- ترکیه، بی‌نا، چاپ اول، ۲۰۰۵ م.
- مکیال المکارم، سید محمدتقی موسوی اصفهانی، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، اصفهان، انتشارات مهر قائم اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
 - مهدیان دروغین، رسول جعفریان، پیش از انتشار.
 - میراث محدث ارموی (آثاری چند درباره دعای ندبه)، به اهتمام سید جعفر اشکوری، قم، سازمان چاپ و نشر مؤسسه فرهنگی دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
 - نجم الثاقب فی احوال الامام الحجة الغائب عليه السلام، حسین بن محمدتقی نوری، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، بی‌تا.
 - نشانه‌های یار و چکامه انتظار، مهدی علی‌زاده، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
 - نظریه اتصال دولت صفویه با دولت صاحب الزمان عليه السلام، رسول جعفریان، تهران، نشر علم، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
 - النجعة فی شرح اللعة، محمدتقی شوشتری، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۶۹ ش.
 - وقت ظهور، عبدالحسین حاجی ابوالحسنی، قم، انتشارات ابوالحسنی، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
 - ینابیع المودة لدوی القربی، سلیمان بن ابراهیم قندوزی، تحقیق: علی جمال اشرف حسینی، تهران، دارالاسوة للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

پی‌نوشت‌ها

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۳؛ کتاب الغیبة، ص ۲۹۴، ح ۱۲.
۲. الغیبة للحجة، ص ۴۲۶.
۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۲؛ کتاب الغیبة، ص ۲۹۴، ح ۱۱؛ الغیبة للحجة، ص ۴۲۶.
۴. الغیبة للحجة، ص ۴۲۶.
۵. الکافی، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۶.
۶. همان، ص ۳۶۸، ح ۵؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۶، ح ۷۰.
۷. الکافی، ج ۲، ص ۲۴۱.
۸. علامه مجلسی در مرآة العقول، ج ۴، ص ۱۷۰ در شرح ابن فقره نوشته: «أی لظهور القائم علیه السلام و كأن المراد بالکراهیة الحرمة إن کان من غیر علم.»
۹. علامه شوشتری نیز در النجعة فی شرح اللمعة، ج ۴، ص ۲۲۳ (بخش کتاب الصیام)، چنین عبارتی را آورده است: «و قال (فی باب آخر فی الحجة علیه السلام): باب کراهیة التوقیت، مع محظوریة تعیین الوقت لخروجه - علیه السلام - ولأن أخبارا رواها فی الباب ظاهرة فی الحرمة.»
۱۰. همچنین ملا صالح مازندارانی هم در شرح الکافی، ج ۶، ص ۳۱۴ می‌نویسد: «باب کراهیة التوقیت، ای کراهیة تعیین الوقت لظهور هذا الامر و صاحبه و حمل الکراهة علی الظاهر ظاهر و علی التحريم فمحتمل.»
۱۱. کتاب الغیبة، ص ۲۸۸.
۱۲. الغیبة للحجة، ص ۴۲۵. عنوان مذکور توسط محققان کتاب در بین قلاب آمده است. شیخ طوسی پیش از روایات نهی از تعیین وقت، نوشته‌ای بدین شرح دارد: «و اما وقت خروجه - علیه السلام - فلیس بمعلوم لنا علی وجه التفصیل بل هو مغیب عنا الی أن يأذن الله بالفرج.»
۱۳. الوافی، ج ۲، ص ۴۲۶.
۱۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۱.
۱۵. عوالم العلوم و المعارف (فی أحوال الامام الحجة علیه السلام)، ج ۳، ص ۹۷ - ۱۲۵.
۱۶. العیقری الحسان، ج ۷، ص ۲۳ - ۶۰. نهاوندی در عبقریه سوم در همین جلد، ص ۹۳ - ۹۴ پنج مورد برای حکمت ترک توقیت ظهور بیان می‌کند.
۱۷. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۵۸ - ۴۹۱.
۱۸. تاریخ پس از ظهور، ص ۵۳ - ۶۰.
۱۹. وقت: مقداری از زمان که برای کاری معین شده است (قاموس قرآن، ج ۷، ص ۲۳۲).
۲۰. فیومی در مصباح می‌گوید: «الوقت: مقدار من الزمان مفروض لامر ما.»
۲۱. «قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»؛ گفت تواز مهلت شدگانی تا روز وقت معلوم که قیامت باشد (سوره حجر، آیه ۳۷ - ۳۸).
۲۲. «فالتَّوْقِيتُ وَ التَّأْقِيتُ: أَنْ يُجْعَلَ لِلشَّيْءِ وَقْتُ يَخْتَصُّ بِهِ، وَ هُوَ بَيَانُ مقدار المدة. وَ تقول: وَقَّتَ الشَّيْءُ يَوْقَتَهُ.»

- (لسان العرب، ج ۲، ص ۱۰۸).
- در مجمع البحرین، ج ۲، ص ۲۲۸ آمده است: «الموقوت: المحدود بأوقات معينة، يقال وقته فهو موقوت: إذا بین للفعل وقتا يفعل فيه. و التوقيت للشيء مثله. قوله: ﴿وَ إِذَا الرُّسُلُ أَقْبَتَتْ﴾»
۱۸. ﴿وَ إِذَا الرُّسُلُ أَقْبَتَتْ﴾: «و آن گاه که پیمبران به میقات آیند.» (سوره مرسلات، آیه ۱۱)
- أَقْبَتَتْ: قلبت فيه الواو همزة، أصله وَقَّتَتْ، فلما ضُمَّت الواو قلبت إلى الهمزة لحمل الحركة (الجدول فی اعراب القرآن، ج ۲۹، ص ۲۰۰).
۱۹. وَقَّتَهُ يَقْتُهُ إِذَا بَيَّنَّ حَدَّهُ (لسان العرب، ج ۲، ص ۱۰۸).
- وَقَّتَهُ: وقتی برای آن گذاشت، زمانی برای آن تعیین کرد (المعجم الوسيط، ماده وقت).
۲۰. نک: الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، ج ۱، ص ۱۱۴؛ ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۲، ص ۳۳۰. برای اطلاع بیشتر می توانید از جست و جوی لفظی برنامه کامپیوتری «جامع فقه اهل البيت» استفاده نمایید.
۲۱. به عنوان نمونه از امام صادق (ع) چنین روایت شده است: «كَذَبَ الْمُؤَقَّتُونَ مَا وَقَّتْنَا فِيمَا مَضَى وَلَا نُؤَقِّتُ فِيمَا يَسْتَقْبِلُ» (الغیبة للحجة، ص ۴۲۶).
۲۲. الذریعة، ج ۲، ص ۱۷.
۲۳. مؤلف در مقدمه کتاب چنین می نگارد: «برخی از ابناى زمان، بلکه طلاب، اقدام به تعیین زمان ظهور حضرت مهدی (ع) می نمایند، در حالی که هیچ سند محکمی در دست ندارند.» آن گاه مؤلف در صدد تصحیح اعتقاد مردم برآمده، مطالب کتاب را در پیش می گیرد (نک: «بهار بی خزان»، ص ۲۱۸؛ فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۳۱، ص ۲۳۶؛ میراث شهاب، ش ۱۳، ص ۵).
۲۴. فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۳۱، ص ۲۳۶؛ میراث شهاب، ش ۱۳، ص ۵.
۲۵. الذریعة، ج ۲، ص ۴۹۹؛ فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۳۱، ص ۲۳۷؛ میراث شهاب، ش ۱۳، ص ۵؛ «بهار بی خزان»، ص ۲۱۴.
۲۶. در فهرست آیت الله مرعشی، ج ۳۱، ص ۱۸۰، نام این رساله توسط فهرست نگار محترم تکلیف زمان غیبت حضرت مهدی (صلوات الله علیه) تعیین شده است که این نام هیچ تناسبی با محتوای آن ندارد.
۲۷. از این مؤلف اثری با نام الدر والمرجان فی تفسیر الایمان به فارسی در دسترس است (نک: فهرست نسخه های خطی مدرسه فیضیه، ج ۲، ص ۱۶۰). برای اطلاع بیشتر از احوال و آثار وی نک: شناخت نامه علامه سید عبدالهادی حسینی دلجانی.
۲۸. فهرست نسخه های خطی مدرسه فیضیه قم، ج ۲، ص ۱۶۰.
۲۹. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۷، ص ۳۹۶ - ۳۹۸.
۳۰. فهرست کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ج ۲/۲، ص ۵۹۳ - ۵۹۵.
۳۱. فهرست نسخه های خطی کتابخانه غرب - مدرسه آخوند همدانی، ص ۱۵۵۱.
۳۲. وقت ظهور، ص ۶۶ - ۶۷.
۳۳. روح مجرد، ص ۵۱۶ - ۵۱۷.
۳۴. جواهر القوانین، ص ۶۵.

۳۵. *بنایع المودة لدوی القریبی*، ج ۳، ص ۳۳۸. قندوزی پیش از درج شعری چنین نوشته است: «قال الشيخ محیی الدین العربی - قدس الله سره و أفاض فیوضاته و فتوحاته - فی کتابه *عقلاء المغرب* فی بیان المهدی الموعود و وزرائه.» ابیات فوق با آن چه در *عقلاء المغرب*، ص ۱۰ آمده کمی متفاوت بوده و نیازمند بررسی بیشتر و بذل دقت های نسخه شناسانه است.

۳۶. سیرجانی در *جواهرالقوانین* از همین رباعی سه تاریخ بدین شرح استخراج کرده است: خروج مهدی در ۱۳۳۸ و نابودی دجال و اصحابش در ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷.

۳۷. *میراث محدث ارموی*، ص ۱۴۳

۳۸. *معجم التاریخ التراث الاسلامی*، ج ۴، ص ۲۶۰۸، اثر پانزدهم؛ *الذریعة*، ج ۲۳، ص ۲۹۰.

۳۹. میکروفیلمی از این نسخه در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است (نک: *فهرست میکروفیلم های دانشگاه تهران*، ج ۱، ص ۵۷۸).

۴۰. این ترجمه با نام *علامات المهدی* به شماره ۱۳۲۱۲/۱۲ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است (نک: *فهرست آیت الله مرعشی*، ج ۳۳، ص ۳۹۵).

۴۱. دو نسخه دیگر عبارتند از: نسخه شماره ۱۸۸۳ در عثمان ارگین (*معجم التاریخ التراث الاسلامی*، ج ۴، ص ۲۶۰۸، اثر پانزدهم) و دیگری ضمن مجموعه شماره ۴۳۱۰۰ در کتابخانه سلیمانیه، بخش محمود افندی (*کتابنامه امام مهدی*، ج ۲، ص ۵۲۶). نسخه شماره ۱۸۸۳ ظاهراً به عربی است، ولی زبان نسخه اخیر معلوم نیست.

۴۲. از شاه نعمت الله ولی، اثری به نام *رساله مهدیه* به فارسی به نظم و نثر موجود است. احتمال دارد شاه نعمت الله ولی این اثر را برای تحاشی و تبزی از دعوی مهدویت نگاشته باشد؛ زیرا وی به صراحت خود را ولی می دانست. سبک او در پرداختن به موضوع مهدویت در این اثر به روش اهل سنت و جماعت است.

۴۳. *تحقیقات ادبی*، ص ۲۹۰.

۴۴. همان، ص ۲۹۰ - ۲۹۱.

۴۵. برای اطلاع از برخی این تقلب، تغییر و تبدیل ها، نک: همان، ص ۲۹۲ - ۲۹۴.

۴۶. نک: *الکشف عن مجاوزة هذه الأمة الألف*، ص ۱۰۴ - ۱۱۱. این رساله ضمن *الحاوی للفتاوی* به چاپ رسیده است.

۴۷. «پایان تاریخ از دیدگاه اهل سنت»، ص ۱۰۳.

۴۸. نسخه شماره ۸۸۶۹ موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. (نک: *مهدیان دروغین*، ص ۱۵۹ - ۱۶۰)

۴۹. «رساله مبشره شاهیه در اثبات ظهور مهدی علیه السلام در سال ۹۶۳»، فصلنامه *پیام بهارستان*، ش ۱۶.

۵۰. *القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر*، الباب الثالث: فیما جاء فیہ عن التابعین وتابعیهم، مورد ۱۴، ص ۵۹.

۵۱. *الفتن*، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۹۶۲.

۵۲. این رساله در فهرست نویسی از دید فهرست نگار دور مانده و در فهرست نسخه های خطی آن کتابخانه معرفی نشده است.

۵۳. *فهرست نسخه های خطی کتابخانه مسجد اعظم*، ج ۴، ص ۲۵۹ - ۲۶۲.

۵۴. در اصل به صورت مرفوع ضبط شده است. در این رساله و دیگر موارد در مقاله با ضعف‌های ادبی در نقل‌ها مواجه خواهیم شد که این‌گونه موارد بدون دخل و تصرف عیناً نقل شده است.
۵۵. برای آگاهی بیشتر نک: *نظریه اتصال دولت صفویه با دولت صاحب الزمان (عج)*.
۵۶. برای اطلاع از نسخه‌های خطی این کتاب نک: *فهرستگان نسخه‌های خطی (حدیث و علوم حدیث شیعه)*، ج ۴، ص ۹۳.
۵۷. رجعت، ص ۵۰.
۵۸. همان، ص ۶۴.
۵۹. همان، ص ۷۳.
۶۰. *النریعة*، ج ۵، ص ۲۷۵. مؤلف کتابش را به صورت سؤال و جواب تنظیم کرده و آن را در چهل قانون و هر قانون مشتمل بر سؤالات متعدد سامان داده است. بسیاری از مطالب این کتاب در *العقیری الحسان*، ج ۷، ص ۳۶ - ۵۴ عیناً نقل شده است. نویسنده مقاله حاضر در این گزارش به متن چاپ سنگی هم استناد کرده است.
۶۱. ایشان پس از استخراج این تاریخ می‌نویسد: «و جهت اختلاف شاید سزی دارد که درست معین نباشد، مثل این‌که بگوییم از سنه ۱۳۳۵ تا سنه ۱۳۳۸ ظهور خواهد فرمود؛ تعیین وقتی هم نکرده‌ایم که فلان ساعت و روز و سال ظهور می‌فرماید تا مستوجب تکذیب باشیم؛ زیرا با این‌که بگوییم امید داریم که از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸ ظهور خواهد فرمود، اگر کسی بگوید: کی ظهور می‌فرماید؟ گوییم: نمی‌دانم، به او وقتی معین نکرده‌ام.» (*جواهرالقوانین*، ص ۶۰ - ۶۱)
۶۲. مؤلف پس از استخراج این تاریخ‌ها می‌نویسد: «پس ان شاء الله بعد از ۱۳۳۵ و قبل از ۱۳۳۸ منتظر و امیدوار فرج امام زمان باشید. اگر حقیر زنده نماندم، سلام من را به آن حضرت برسانید و پای او را از جانب من بوسه زنید و معروض دارید که غلام شما محمدباقر امیدوار بود که در حضور مبارک خدمت‌ها کند تا در رکاب ظفر انتساب شما جام شهادت نوشد. اگر رأی مبارک اقتضا فرماید او و والد او را زنده فرمایید و قلب آن‌ها را در دوستی خود محکم فرمایید و حوایج آن‌ها را برآورید. چون نیک نظر کنی همان (۱۳۳۶) است.» (*جواهرالقوانین*، ص ۷۲)
۶۳. نک: *جواهرالقوانین*، ص ۴۸ - ۷۸.
۶۴. همان، ص ۷۸.
۶۵. بر اساس آن چه روی صفحه اول آمده، این لقب از سوی حضرت حجت (عج) به مؤلف داده شده است: «الملقب من ناحية الامام عليه السلام».
۶۶. *تبشیرالمحرورین*، ص ۵ - ۷.
۶۷. *میراث محدث ارموی*، ص ۱۴۴ - ۱۴۵.
۶۸. وبگاه رسول جعفریان؛ *میراث محدث ارموی*، ص ۱۴۳.
۶۹. *میراث محدث ارموی*، ص ۱۴۳. از این مؤلف در حوزه مهدویت و علایم ظهور، کتاب *جراید سبعة* نیز در دست است.

۷۰. العبقری الحسان، ج ۷، ص ۳۶.
۷۱. سرالفتوح ناظر بر پرواز روح، ص ۹۲ - ۹۳.
۷۲. برای اطلاع از اندیشه‌های مؤلف درباره برخی از علایم ظهور، تطبیق اشخاص و وقایع و... نک: گنجینه دانشمندان، ج ۸، ص ۳۹۸ - ۴۰۰ و ۴۰۷ - ۴۰۸ و ج ۹، ص ۲۹۳ - ۲۹۴؛ آثار الحجة، ج ۱، ص ۱۷ - ۱۸.
۷۳. پرواز روح، ص ۲۱۳ - ۲۱۴.
۷۴. نشانه‌های یار و چکامه انتظار، ص ۷۸ - ۸۰.
۷۵. «در محضر حضرت آیه الله العظمی تبریزی»، فصل نامه انتظار، ش ۵.
۷۶. «چرا [از اعلام] زمان ظهور نهی شده است؟»، ماه نامه موعود، ص ۳۴ - ۳۷.
۷۷. أَبُو لَبِيدٍ الْمَخْزُومِيُّ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: يَا بَا لَبِيدٍ! إِنَّهُ يَمْلِكُ مِنْ وَلَدِ الْعَبَّاسِ اثْنَا عَشَرَ تُقْتَلُ بَعْدَ الثَّامِنِ مِنْهُمْ أَرْبَعَةٌ تُصِيبُ أَحَدَهُمُ الدَّبْحَةُ فَيَذْبَحُهُ هُمْ فِتْنَةٌ قَصِيرَةٌ أَعْمَارُهُمْ قَلِيلَةٌ مَدَّتُهُمْ حَبِيبَتُهُ سَيَرَتْهُمْ مِنْهُمْ الْفُؤَيْسِقُ الْمُلَقَّبُ بِالْهَادِي وَالنَّاطِقِ وَالْغَاوِي. يَا بَا لَبِيدٍ! إِنَّ فِي حُرُوفِ الْقُرْآنِ الْمُقْطَعَةِ لَعِلْمًا جَمًّا إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْزَلَ عليه السلام ذَلِكَ الْكِتَابَ فَقَامَ مُحَمَّدٌ عليه السلام حَتَّى ظَهَرَ نُورُهُ وَتَبَيَّنَتْ كَلِمَتُهُ وَوُلِدَ يَوْمَ وَلَدَ وَقَدْ مَضَى مِنَ الْأَلْفِ السَّابِعِ مِائَةٌ سَنَةٍ وَثَلَاثُ سِنِينَ، ثُمَّ قَالَ: وَتَبَيَّنَتْ فِي كِتَابِ اللَّهِ فِي الْحُرُوفِ الْمُقْطَعَةِ إِذَا عَدَدْتَهَا مِنْ غَيْرِ تَكَرَّرَ وَ لَيْسَ مِنْ حُرُوفٍ مُقْطَعَةٍ حَرْفٌ يَنْقُضِي إِلَّا وَ قِيَامٍ قَائِمٍ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ عِنْدَ انْقِصَائِهِ، ثُمَّ قَالَ: الْأَلْفُ وَاحِدٌ وَالْأَلْفُ ثَلَاثُونَ وَ الْمِائَةُ أَرْبَعُونَ وَالصَّادُ تِسْعُونَ فَذَلِكَ مِائَةٌ وَ إِحْدَى وَ سِتُّونَ ثُمَّ كَانَ بَدْءُ خُرُوجِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام «الم الله» فَلَمَّا بَلَغَتْ مَدَّتُهُ قَامَ قَائِمٌ وَلَدِ الْعَبَّاسِ عِنْدَ الْمَصِّ وَ يَقُومُ قَائِمًا عِنْدَ انْقِصَائِهَا بِ «الر» فَافْهَمَ ذَلِكَ وَ عِهُ وَ اكْتُمُهُ.
- (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۰۶ به نقل از تفسیر عیاشی؛ رجعت، ص ۶۹ - ۷۰)
۷۸. این حدیث به صورت وجاده نقل شده است: قَدْ صَعِدْنَا ذُرَى الْحَقَائِقِ بِأَقْدَامِ التُّبُوءِ وَالْوَلَايَةِ وَ سَاقَهُ إِلَى أَنْ قَالَ وَ سَيَسْفُرُ لَهُمْ يَتَابِيعُ الْخَيَوَانِ بَعْدَ لَطَى التَّيْرَانِ لِتَمَامِ «الم» وَ «طه» وَ الطَّلَوِاسِينَ مِنَ السَّيِّئِينَ. (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۱ به نقل از المحتضر)
۷۹. برای اطلاعات بیشتر نک: نسخه خطی در التمام فی تاریخ خروج المهدي عليه السلام موجود در کتابخانه مسجد اعظم.
۸۰. العبقری الحسان، ج ۷، ص ۴۹.
۸۱. همان، ج ۷، ص ۴۸؛ نجم الثاقب، ص ۷۱۴.
۸۲. سلیمان قندوزی در باب هشتاد و چهارم یتابیع المودة لدوی القربی به ذکر اشعاری با عنوان «فی ایراد أقوال أهل الله من أصحاب الشهود و الکشف و علماء الحروف فی بیان المهدي الموعود عليه السلام»
۸۳. برای نمونه و اطلاع بیشتر، نک: صراط النجاة فی اجوبة الاستفتائات، ج ۱، ص ۴۶۴.
۸۴. محافل المؤمنین، ص ۳۳ - ۳۴.
۸۵. رستم التواریخ، ص ۹۸.
۸۶. «انتقاد آیت الله سیستانی از "ظهور نزدیک است"»، وبسایت خبری www.tabnak.ir، ۱۳۹۰/۱/۱۵.
۸۷. الکافی، ج ۲، ص ۲۴۹، بَابُ أَنَّهُ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ، ح ۱.
۸۸. سورة اسراء، آیه ۷۱.
۸۹. الکافی، ج ۲، ص ۲۵۰، ح ۲.
۹۰. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۶.

